گزارش

ابتلای ۹۴ درصد سالمندان تهرانی به یک بیماری مزمن

سرپرست دانشگاه علوم پزشکی تهران در نخستین کنگره ملی و بین‌المللی سیاست‌گذاری و تازه‌های سلامت در حوزه سالمندی گفت: افزایش امید به زندگی نیازمند تقویت زیرساخت‌های سلامت سالمندان است. سیدرضا رئیس‌کرمی، سرپرست دانشگاه علوم پزشکی تهران، در نخستین کنگره ملی و بین‌المللی سیاست‌گذاری و تازه‌های سلامت در حوزه سالمندی، با تاکید بر تغییرات جمعیتی کشور و افزایش درخور توجه جمعیت سالمندان، بر لزوم سیاست‌گذاری هوشمندانه و پایدار برای تحقق سالمندی سالم تاکید کرد.

وی با یادآوری تحولات اخیر جمعیت‌شناختی گفت: در دهه‌های گذشته، اولویت ما تأمین نیازهای جوانان از طریق ایجاد زیرساخت‌هایی مانند مدرسه، دانشگاه، مسکن و اشتغال بود؛ اما امروز، با افزایش امید به زندگی، باید تمرکز خود را به سمت ارائه خدمات سلامت و بهزیستی برای جمعیت سالمند کشور تغییر دهیم.

رئیس‌کرمی با اشاره به بهبود چشمگیر شاخص‌های بهداشتی و تاثیر مثبت آن در افزایش سن امید به زندگی افزود: میزان مرگ‌ومیر نوزادان از ۲۶.۱ مرگ در هر هزار تولد در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی، به ۸.۱ مرگ در هر هزار تولد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته و این رقم در مجموعه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران به ۵.۴۱ رسیده که نسبت به میانگین کشوری وضعیت بهتری دارد. همچنین شاخص امید به زندگی از ۵۵ سال به حدود ۷۲ سال در اقیانس و ۷۶ سال در خانم‌ها افزایش یافته است. این پیشرفت، نتیجه بهبود نظام سلامت کشور و توسعه نظام شبکه‌های خدمات بهداشتی و درمانی است. وی بر اهمیت بازنگری در این نظام برای پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای سالمندان تاکید کرد و گفت: افزایش پدیده سالمندی و بیماری‌های مرتبط با سن، مستلزم تقویت زیرساخت‌های حوزه سلامت سالمندی است. باید بیماری‌های واگیر، سلامت سالمندی و توانبخشی در نظام شبکه خدمات بهداشتی و درمانی ادغام شوند تا خدمات جامع‌تری به جامعه ارائه شود و کیفیت زندگی سالمندان بهبود یابد.

او برگزاری این کنگره را اقدامی مهم در راستای پیشبرد سیاست‌های سلامت سالمندان دانست و ابراز امیدواری کرد که نتایج این نشست منجر به تدوین سیاست‌های کلان و کارآمد در این حوزه شود.

در ادامه علیرضا نمازی، متخصص سالمندی و رئیس ایمن کنگره، با گرامیداشت روز جهانی سالمند، تاثیر عمیق افزایش جمعیت سالمندی بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور را بررسی کرد و گفت: سالمندی در ایران موضوع بسیار مهم و پیچیده‌ای است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰ حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور به بالای ۶۰ سال برسند.

نمازی دانشگاه علوم پزشکی تهران را از پیشگامان راه‌اندازی بخش و کوچه طب سالمندی در کشور دانست و با تاکید بر نیاز مبرم آموزش تخصصی در این حوزه گفت: با وجود اینکه آموزش طب سالمندی از سال ۱۳۸۸ در کشور اجرا می‌شود، هنوز هم آموزش تخصصی گروه‌های مرتبط با سلامت سالمندی احساس می‌شود. رئیس کنگره با تاکید بر اهمیت پوشش بیمه‌ای در دسترسی سالمندان به خدمات بهداشتی و درمانی، گفت: پوشش بیمه‌های درمانی کنگره‌ای سالمندان را به خدمات بهداشتی، درمانی و توان‌بخشی افزایش می‌دهد. او با پیگیری به نیازهای گروه سنی سالمندان را مستلزم همکاری و هماهنگی سیاست‌گذاران، دانشگاه‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی دانست و افزود: با آموزش و افزایش آگاهی عمومی می‌توانیم به بهبود کیفیت زندگی سالمندان کمک کنیم.

ابتلای ۷۰ درصد سالمندان به فشار خون

در ادامه، دکتر باقر لاریجانی، رئیس مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم و مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه، با اشاره به ضرورت توجه به کیفیت زندگی سالمندان گفت: ایران در آینده با حدود ۳۰ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال، بیشترین جمعیت سالمند را خواهد داشت و سیاست‌گذاران برای حفظ کرامت آنان لازم است به ابعاد مختلف زندگی سالمندان توجه کنند. رئیس مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم دانشگاه در توضیح نتایج کهورت سلامت سالمندان در بوشهر گفت: بر اساس این مطالعه، بسیاری از سالمندان کشور به بیماری‌های مزمن پنهانی مبتلا می‌شوند؛ به‌طوری که ۷۰ درصد افراد بالای ۶۰ سال فشار خون، ۵۰ درصد دیابت و ۶۰ درصد کلسترول بالا دارند. لاریجانی شکستگی استخوان را یکی از آسیب‌های جدی دوره سالمندی دانست و افزود: ۲۵ درصد افرادی که بر اثر بیماری استخوان دچار شکستگی لگن می‌شوند، در ماه اول و ۵۰ درصد از آنان در سال اول شکستگی فوت می‌کنند و مابقی برای ادامه زندگی خود به اطرافیان وابسته می‌شوند. وی با تشریح برنامه کشوری توسعه‌یافته در حوزه سالمندی گفت: برای مدیریت سالمندان می‌توانیم از الگوی این کشورها بهره ببریم.

در ادامه محمدمهدی ناصحی، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت، با بیان اینکه سالمندی بخشی از روند طبیعی زندگی انسان محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را متوقف کرد، افزود: باید با مراقبت‌های صحیح و ساده، این روند را به سالمندی بهتر تبدیل کرد.

ناصحی سالمندی را شامل سه فرایند سالمندی جسمانی، روانی و اجتماعی عنوان کرد و با تاکید بر اهمیت مراقبت در منزل از سالمندان گفت: سالمندان بیش از نیاز به پرستوری‌شدن در بیمارستان، نیاز به مراقبت در منزل دارند و از این‌رو لازم است وزارت بهداشت، سازمان بیمه سلامت و بهزیستی برنامه مراقبت و پرستاری در منزل را در حوزه‌های درمان، بیمه و خدمات رفاهی اجرایی کنند. ناصحی با اشاره به هزینه‌های سلامت سالمندی در سال ۱۴۰۲ گفت: ۳۵ درصد کل هزینه‌های خدمات بستری متعلق به سالمندان است و بر این اساس دهه‌های آینده حوزه بهداشت و درمان برای خانواده‌ها برهزینه‌تر خواهد بود. سپس احمد دلوی، رئیس انجمن علمی طب سالمندی، با اشاره به تفاوت شیب جمعیت سالمندی در کشورهای مختلف گفت: برخی کشورها با شیب ملایم با پدیده سالمندی مواجه شدند. درحالی‌که این روند در جمعیت سالمندی ایران کمتر از ۲۰ سال طول می‌کشد؛ بنابراین باید با سرعت بیشتری زیرساخت‌ها و منابع مورد نیاز مواجهه با این فرایند نوپدید جمعیتی فراهم شود.

رئیس انجمن علمی طب سالمندی، با بیان اینکه حدود ۹۴ درصد سالمندان تهرانی حداقل یک بیماری و حدود ۸۰ درصد آنان با همزمانی دو یا چند بیماری مزمن مواجه هستند، افزود: شیوع‌ترین بیماری‌ها در بین سالمندان، پرفشاری خون، بیماری‌های اسکلتی عضلانی، چربی خون و بیماری‌های قلبی و عروقی گزارش شده است. دلوی، سالمندی جمعیت را نشان‌دهنده دستاوردها و موفقیت‌های بزرگ سیستم بهداشت و درمان و بیمه‌ای دانست و افزود: از آنجا که در دوره سالمندی هزینه‌های بهداشت و درمان افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضرورت بیشتری می‌یابد. نخستین کنگره ملی و بین‌المللی سیاست‌گذاری و تازه‌های سلامت در حوزه سالمندی، با حضور متخصصان داخلی و بین‌المللی و ارائه مقالات و نتایج پژوهش‌های نوین در حوزه سالمندی، گامی بر وجه جلوی تازه سلامت کشور و رفاه سالمندان به شمار می‌رود.

پوپولیسم از عرصه سیاست تا محیط زیست و تغییرات اقلیمی

پوپولیسم اقلیمی

سیدرضی شیخ‌الاسلامی
عضو هیئت علمی گروه مهندسی آب و محیط زیست دانشگاه صنعتی شریف

بحران‌های ناشی از تغییرات اقلیمی هرساله در جهان وخیم‌تر می‌شوند، به طوری که رفته‌رفته به نقطه‌ای نزدیک شده‌ایم که دیگر نمی‌توان وجود آنها را نادیده گرفت یا انکار کرد. سطح آب دریاها افزایش یافته و شرایط آب‌وهوایی هر روز شدیدتر می‌شود. محصولات کشاورزی به صورت گسترده‌ای از بین می‌روند که باعث کاهش دسترسی به کالاها و افزایش قیمت‌ها در بسیاری از مناطق شده است. در جریان این بحران‌های جهانی، احتمالا شاهد ظهور سریع افرادی خواهیم بود که بیشتر به دنبال مقصران‌اند دیگران برای وضعیت اضطراری اقلیمی هستند تا ارائه راه‌حل‌های عملی. این مقصران می‌توانند مهاجران، اقلیت‌های نامطلوب یا دشمنان قدیمی باشند. مظنونین همیشگی یا اهداف جدیدی که هنوز ظهور نکرده‌اند.

هم‌اکنون نیز می‌توانیم نشانه‌های اولیه از تغییری را ببینیم که از «انکار» به «سرزنش» در حال گذار است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را «پوپولیسم اقلیمی» نامید. پوپولیسم اقلیمی فرزند مستقیم پوپولیسم‌هایی است که امروزه می‌شناسیم. حتی اگر بخواهیم پیش‌بینی دقیق‌تری کنیم، ممکن است پوپولیست‌های اقلیمی در آینده نزدیک، همان سیاست‌مداران و صاحب‌نظرانی باشند که امروزه خود را به‌عنوان سرسخت‌ترین منکران تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های انسانی معرفی می‌کنند.

نظریه‌های توطئه مرتبط با آب‌وهوا پدیده‌ای جدید نیست. تاریخ بشر مملو از مواردی است که در آن مردم عوامل و نیت‌های متعددی را به شرایط آب‌وهایی نسبت داده‌اند. در دوره‌های مختلف، خدایان و انواع موجودات ماورایی مسئول شرایط نامطلوب جوی تصور می‌شدند. فهرست این موجودات طولانی است: زئوس، خدای رعد و برق یونانی؛ کوکولکان، خدای باد مایایی؛ و رایجین، خدای تندر و آذرخش ژاپنی. بسیاری از خدایان اساطیری مصری، به‌ویژه آتهایی که به دوران اولیه بازمی‌گردند، با شرایط آب‌وهایی مرتبط بودند و مردم آنها را پرستش می‌کردند تا محصولی فراوان به دست آورند، اما در عصر حاضر، مردم «مدرن» به گزارش‌های هواشناسی تکیه می‌کنند. باوجوداین، درحالی‌که فناوری با سرعتی شگفت‌انگیز پیشرفت کرده، تمایل ذهن بشر هنوز به تحلیل عوامل پشت نتایج ناگوار، تغییر چندانی نکرده است. وقتی اوضاع بد می‌شود، جوامع انسانی به شیوه‌هایی واکنش نشان می‌دهند که پیش‌بینی‌پذیر است؛ ازجمله در عرصه سیاست.

برای مثال، پس از آتش‌سوزی‌های فاجعه‌بار در مائوئی، هاوایی در سال ۲۰۲۳، موجی از نظریه‌های توطئه و اطلاعات نادرست منتشر شد. این نظریه‌ها استفاده از سیستم‌های دما-کنترل آب‌وهوا تا لیزرهای فضایی را بر می‌گرفت؛ فهرستی عجیب و نسبتا طولانی. یکی از این روایت‌ها به استفاده از فناوری نظامی فضایی مصنوعی که از طرف «نخبگان جهانی» ایجاد و به کار گرفته شده، اشاره داشت که به طور مصنوعی بارهای طبیعی را ایجاد می‌کند. در واقع، به نظر می‌رسد برخی افراد به همان اندازه که نیازی به درمان ندارند، آنها را درباره توطئه‌های بزرگ‌تر و نقش‌آفرینی عوامل ماورایی را به تغییرات آب‌وهایی و بلایای طبیعی نسبت دهند. هنوز هم این کار را انجام می‌دهند.

به طور کلی، منطق درونی ارائه نظریه‌های توطئه که پس از بلایای طبیعی مطرح می‌شوند، در یک چیز توافق دارند: وجود نیت‌های بدخواهانه پشت حوادث ناگوار. جای تعجب نیست که در تفسیر توطئه‌پردازانه، هر فاجعه‌ای به طور مستقیم از طرف بازیگرانی مرموز و قدرتمند ایجاد شده است. نظریه‌پردازان توطئه معمولا در شبکه‌های اجتماعی بسیار پرسروصدا و برجسته هستند، اما این لزوما به این معنا نیست که تعداد زیادی از آنها وجود دارد. به گفته کریس بیل، جامعه‌شناس، رسانه‌های اجتماعی سازوکاری پیچیده یک منشور عمل می‌کنند که به افراط‌گرایانی که به دنبال جلب توجه هستند، قدرت می‌بخشند. به عبارت دیگر، این شبکه‌ها نظرات حاشیه‌ای را بزرگ‌نمایی می‌کنند و آنها را برجسته‌تر از آنچه واقعا هستند، جلوه می‌دهند. اما درباره نظریه‌های توطئه مرتبط با تغییرات اقلیمی، نکته مهم این است که این نظریه‌ها به هر مردم چیزی ارزشمند ارائه می‌دهند: احساسی از کنترل و توجیه برای تغییردادن سبک زندگی‌شان در مواجهه با چهانی گرم‌تر.

همان‌طور که اولیویه مورین، تکامل‌شناس فرهنگی، در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد، یکی از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت داستان‌ها در جذب مخاطب این است که آیا آنها در گذشته نیز با موفقیت گسترش یافته‌اند. روایت‌های قدیمی به‌روزرسانی می‌شوند تا با شرایط محیطی تاریخی معاصر همخوانی پیدا کنند. عناصر مشترک در نظریه‌های توطئه (مانند گروه‌های بیرونی قدرتمند و بدخواه، اقدامات عمدی نادرست، دسیسه‌چینی پشت پرده و بی‌اعتمادی عمیق به منابع رسمی اطلاعات) برای هزاران سال از اعتبار جذاب در داستان‌ها بوده‌اند. موضوعات تغییر می‌کنند، ولی بار احتمالا تمرکز بر بحران تغییرات اقلیم خواهد بود؛ اما این عناصر دوباره در نظریه‌های توطئه آینده ظاهر خواهند شد.

تفکر مبتنی بر توطئه در انتهای افراطی طیف تفکر عقلی درباره جهان قرار دارد. در طرف دیگر این طیف، برخی افراد به طور مداوم معتقدند که همه چیز تصادفی است و هیچ چیزی از طریق اقدامات عمدی کنترل‌پذیر نیست. هم‌اظهر که تفکر مبتنی بر توطئه در نگاه اول به نظر ناهنجار می‌رسد، آن سوی انتهای افراطی هم می‌تواند منجر به اقدام‌نکردن در موقعیت‌هایی شود که در آنها واقعا می‌توان کاری انجام داد. مارتین سلیگمن، روان‌شناس، این گرایش ذهنی نسبتا افسرده را «ناامیدی آموخته‌شده» نامیده است. نظریه‌های توطئه به همین‌دلیل جذاب‌اند که حداقل در ظاهر وعده می‌دهند که به طور کامل نیز قطعیت و تصادف را از تفسیر رویدادها ریشه‌کن کنند. این نظریه‌ها با ایجاد ظاهری از کنترل، همه چیز را کنترل‌پذیر به نظر می‌رسانند.

باید توجه داشت که گروه‌های اجتماعی نزدیک و همبسته که اعضای آنها به طور فعال برای خود معنای مشترک و اهدافی را ایجاد می‌کنند، کاهی حول روایت‌های توطئه شکل می‌گیرند. درون یک جامعه، از باورکنندگان، اعضای یکدیگر را تشویق می‌کنند، پاداش می‌دهند و به یکدیگر توجه دارند. همان‌طور که فیلسوف دن ویلیامز اشاره کرده است، باور به نظریه‌های توطئه (یا هر باور مشکوک دیگری) ممکن است گاهی از نظر اجتماعی سازگار باشد. به این معنی که به باورکننده اجازه می‌دهد در فعالیت‌های گروهی باداش‌دهنده شرکت کند و به‌این‌ترتیب از درد تنهایی و انزوا جلوگیری کند. نشان‌دادن هم‌راستایی عمومی با باورهای گروهی، یک الزام استاندارد برای تعلق به گروه و نشانه‌ای از وفاداری است. درحالی‌که هم‌راستایی به طور دقیق نشان‌دهنده باور واقعی نیست، پایبندی به روایت‌های گروهی همچنین به سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و اجتماعی در یک جامعه، مانند دوستی‌ها و روابط عاشقانه، بستگی دارد.

از طرف دیگر، ترویج نظریه‌های توطئه به مروج آن نیز کمک می‌کند. واضح‌ترین مزیت این امر، پول است. نظریه‌پردازان توطئه در یوتیوب ممکن است از طریق تبلیغات یا فروش کالاهای تجاری درآمد کسب کنند. مشهورترین مثال از این دست، وب‌سایت Infowars الکس جونز است که در یک دوره سه‌ساله حدود ۱۶۵ میلیون دلار درآمد داشت. عمدتا از طریق فروش مکمل‌ها و تجهیزات آماده‌سازی برای بینندگانی که به این باور رسیده بودند که جهان در حال فروپاشی است. مزایای دیگری نیز برای مروجان توطئه وجود دارد که غیرمالی هستند. طبق مطالعه‌ای تجربی که از طرف کاسکل بوور و نوبا یارن انجام شده، پیام‌آوران اخبار بد اغلب به‌عنوان افرادی با صلاحیت بیشتر در راحتی می‌توان دید که چگونه ارتباط‌دهندگانی که ادعا می‌کنند «دانش بیشتری درباره محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی دارند، ممکن است راحت‌تر بتوانند اعتبار خود را به‌عنوان کارشناسان در نظر مخاطبان تشنه توضیح افزایش دهند. در شرایط خاص، ساختن چنین اعتباری ممکن است در سیاست نیز سودمند باشد؛ گاهی اوقات، کسانی که زنگ خطر را به صدا درمی‌آورند، به‌عنوان شهردار شهر انتخاب می‌شوند. به میزان محدودتری، پیروان نیز از همین مزیت بهره‌مند می‌شوند. در اختیار داشتن «اطلاعات درونی» به آنها این امکان را می‌دهد که نسبت به «گوسفندها»، یعنی کسانی که به ایده‌هایشان باور ندارند، احساس برتری کرده و عمل کنند. جای تعجب نیست که کاربران با باورهای بسیار حاشیه‌ای تمایل دارند در رسانه‌های اجتماعی فعال‌تر باشند؛ آنها از این پلتفرم‌ها برای محافظت از هویت خود و موعظه استفاده می‌کنند.

جست‌وجو برای توضیح وضعیت آب‌وهایی یا استفاده از نظریه‌های توطئه، هنوز پدیده‌ای حاشیه‌ای باقی مانده است؛ اما پیش‌بینی می‌شود در آینده، با افزایش تاثیر تغییرات اقلیمی، شاهد ظهور یک حرکت سیاسی اصلی و قابل تعریف باشیم که در آن سیاست‌مداران و تحلیلگران با استفاده از نگرانی‌ها درباره وضعیت اضطراری اقلیمی، به دنبال منافع سیاسی و اقتصادی خواهند بود. پوپولیسم اقلیمی (موضع سیاسی که تصور می‌شود بر نظریه‌های توطئه مرتبط با اقلیم مبتنی است) ویژگی‌های مشترکی با پوپولیسم‌های که پژوهشگران امروز مطالعه کرده‌اند، خواهد داشت. درست مانند سایر پوپولیسم‌ها، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این پوپولیسم اینطوری یا چنان‌بینی منسجمی تشکیل دهد. هدف پوپولیست اقلیمی این خواهد بود که

هیدرولوژی اجتماعی و مدیریت منابع آب

حمیدفرهمند
پژوهشگر آب و محیط زیست

وقتی کارشناسان، استادان و متخصصان از این تغییر فلسفی در مدیریت منابع طبیعی می‌شنیدند، برقی در چشمان‌شان جرقه می‌زد که انگیزه من را برای معرفی این رویکرد جدید بیشتر می‌کرد. بعد از خواندن صدها مقاله و چندین کتاب و مشورت با استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه صنعتی شریف و تهران، چنان شیفته این دیدگاه شده که نه‌تنها زندگی حرفه‌ای، بلکه حتی زندگی شخصی‌ام نیز دستخوش تغییر شد. امید دارم که در تفسیر نوشتار پیش‌رو، شما هم با همان شور و شوقی که من تجربه کردم، با این رویکرد جدید آشنا شوید. محور اصلی این تغییر رویکرد به‌سادگی این است: «مدیریت منابع طبیعی، در واقع مدیریت خود مردم است».

نه‌فقط در ایران بلکه تقریبا در تمام کشورهای دنیا و حتی کشورهای ظاهرا پیشرفته، روش مرسوم مدیریت منابع طبیعی بر پایه مطالعه اجزای طبیعت (مانند هوا، خاک، آب و گیاه) استوار است. بعد از تحلیل این اجزا و مدل‌سازی روابط میان آنها، سعی می‌شود با مداخلات لازم، سیستم به سمت وضعیت مطلوب هدایت شود. این رویکرد از قدر جا افتاده که غیبت یکی از مهم‌ترین عناصر این سیستم یعنی انسان، کمتر به چشم می‌آید. اما روابط دوطرفه انسان با طبیعت چیست؟ بیایید این مثال را در نظر بگیریم: با دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین روش‌های علمی، می‌توان الگوی کشت بهینه‌ای را برای یک منطقه کشاورزی تدوین کرد که به افزایش سود اقتصادی کشاورزان و کاهش مصرف آب منجر شود. این الگوها معمولا براساس داده‌های علمی درباره خاک، آب، هوا و شرایط اقلیمی منطقه تهیه می‌شوند و در ظاهر همه مشکلات را حل می‌کنند. اما در عمل، این الگوها به‌ندرت رعایت می‌شوند و حتی گاهی با مقاومت شدید کشاورزان روبه‌رو می‌شوند. دلیل این اجرانشدن چیست؟ چالش در نادیده‌گرفتن یکی از اجزای کلیدی این سیستم، یعنی کشاورز، نهفته است.

کشاورزان به‌عنوان مدیران منابع طبیعی، بلکه به‌عنوان بازیگران فعال و با دیدگاه‌های شخصی و اجتماعی خود در این سیستم حضور دارند. آنها اغلب اعتماد کاملی به کارشناسان ندارند، زیرا تجربه‌های تلخ و شکست‌های گذشته، آنها را دچار توصیه‌های فنی و علمی بدون دیدگاه است. برای کشاورزان، تصمیم‌گیری درباره کشت‌وکار تنها به منافع اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باورهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی نیز در این تصمیمات نقش دارند. به‌عنوان مثال، بسیاری از کشاورزان الگوهای کشت سنتی خود را به‌عنوان بخشی از هویت و تاریخ خانوادگی‌شان می‌دانند و تغییر این الگوها برای آنها به معنای از دست دادن بخشی از این هویت است.

علاوه‌براین، کشاورزان اغلب با محدودیت‌های عملی روبه‌رو هستند که در مدل‌های علمی لحاظ نمی‌شود. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل کمبود منابع مالی، نبود زیرساخت‌های مناسب یا حتی سیاست‌های دولتی ناپایدار باشد که اجرای الگوهای پیشنهادی را دشوار می‌کند. هیدرولوژی اسکلتی عضلانی، چربی خون و بیماری‌های قلبی و عروقی گزارش شده است. دلوی، سالمندی جمعیت را نشان‌دهنده دستاوردها و موفقیت‌های بزرگ سیستم بهداشت و درمان و بیمه‌ای دانست و افزود: از آنجا که در دوره سالمندی هزینه‌های بهداشت و درمان افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضرورت بیشتری می‌یابد. نخستین کنگره ملی و بین‌المللی سیاست‌گذاری و تازه‌های سلامت در حوزه سالمندی، با حضور متخصصان داخلی و بین‌المللی و ارائه مقالات و نتایج پژوهش‌های نوین در حوزه سالمندی، گامی بر وجه جلوی تازه سلامت کشور و رفاه سالمندان به شمار می‌رود.

گزارش

به بهانه حادثه مدعن طبس؛ مستمری بازماندگان چگونه محاسبه می‌شود؟

ایرنا: با فروکش‌کردن التهاب ناشی از وقوع انفجار در معدن زغال‌سنگ طبس و اتمام عملیات امداد و نجات، اکنون وقت آن رسیده تا مطالبات قانونی خانواده‌های قربانیان این حادثه در اسرع وقت پیگیری و پرداخت شود. آن‌طور که «جواد قناعت»، استاندار خراسان جنوبی، در دیدار جمعی از خانواده‌های جان‌باختگان این حادثه بیان کرده، دیه متوفیان با طی‌کردن روند عادی خود در حال برداخت به خانواده‌هاست و شرکت معدنی مبلغی هم به عنوان مساعده و به صورت بلاعوض به جهت تأمین هزینه‌های مراسم تدفین و ترحیم به حساب خانواده‌ها واریز کرده است. قناعت با اشاره به اینکه مهم‌ترین دغدغه خانواده‌ها برقراری مستمری متوفیان است، متذکر شد: این موضوع با جدیت در حال پیگیری است و سعی شده این مستمری از همین مهرماه و بدون وقفه پرداخت شود. مطابق مفاهیم علوم اجتماعی سازمان‌های بیمه‌ای و به عبارتی دقیق‌تر، جامعه در موارد فوت نان‌آور خانواده، جایگزین او شده و مسئولیت تأمین معیشت بازماندگان بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر متوفی را برعهده خواهد گرفت. اما چه افرادی از بازماندگان استحقاق دریافت مستمری را دارند؟ همه بیمه‌شدگانی که تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی هستند که در زمان حاضر بیشتر از نصف جمعیت ایران را شامل می‌شود، بعد از پرداخت حق بیمه و احراز شرایط سن و سابقه بیمه‌پردازی می‌توانند تقاضای بازنشستگی کرده و از مزایای آن در کنار خدمات درمانی استفاده کنند. اما اگر فرد بیمه‌شده یا بازنشسته یا ازکارافتاده کلی فوت کند، این سازمان به بازماندگان او در صورت احراز شرایط قانونی، مستمری بازماندگان پرداخت می‌کند. درباره نحوه برقراری مستمری بازماندگان بیمه‌شدگان و اینکه چه کسانی مشمول دریافت آن هستند، با رئیس اداره امور بازماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی به گفت‌وگو نشستیم.

رئیس اداره امور بازماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در توضیح این مطلب در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: براساس قانون تأمین اجتماعی، پرداخت حقوق و مستمری به بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر بازنشسته یا ازکارافتاده کلی فوت‌شده، یکی از تعهدات بلندمدت این سازمان است که به‌عنوان «برقراری مستمری بازماندگان» شناخته می‌شود. «رضا دهقان‌زاده» اظهار کرد: در صورت فوت بیمه‌شده قبل از بازنشستگی بر اثر حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای (بیماری‌هایی که به سبب شرایط محیط کار برای بیمه‌شده پیش می‌آید)، بازماندگان واجد شرایط او مشمول دریافت مستمری بازماندگان خواهند بود. او افزود: وفق بند ۱۶ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی، مستمری عبارت از وجهی است که طبق شرایط مقرر در این قانون (قانون تأمین اجتماعی) به منظور جبران فقط همه یا قسمتی از درآمد به بیمه‌شده و در صورت فوت او برای تأمین معیشت بازماندگان او به آنان پرداخت می‌شود.

رئیس اداره امور بازماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی ادامه داد: بنابر این تعریف و مطابق مفاهیم علوم اجتماعی سازمان‌های بیمه‌ای و به عبارتی دقیق‌تر، جامعه در موارد فوت نان‌آور خانواده، جایگزین او شده و مسئولیت تأمین معیشت بازماندگان بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر متوفی را برعهده خواهد گرفت. او در پاسخ به اینکه ضوابط و نحوه تخصیص مستمری بازماندگان در سازمان تأمین اجتماعی چگونه است، تصریح کرد: در صورت فوت بیمه‌شده بازنشسته، در صورت فوت بیمه‌شده ازکارافتاده کلی مستمری‌بگیر، در صورت فوت بیمه‌شده یا ۱۵ سال آخر حیات خود سابقه حق بیمه یک سال کار، مشروط بر اینکه طرف آخرین سال حیات حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد. بازماندگان براساس شرایط مندرج در قانون می‌توانند مشمول دریافت مستمری بازماندگان شوند. «دهقان‌زاده» گفت: چنانچه بیمه‌شده فاقد شرایط مقرر باشد (در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که ۱۵ سال آخر حیات خود حداقل حق بیمه یک سال کار، مشروط بر اینکه طرف آخرین سال حیات حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد)، ولی حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه را قبل از فوت پرداخت کرده یا دارای سابقه پرداخت حق بیمه بین ۱۰ تا ۲۰ سال باشد یا دارای سابقه پرداخت حق بیمه بین یک تا ۱۰ سال باشد و همچنین در مواردی که بیمه‌شده بر اثر حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای فوت کند، مشمول تخصیص مستمری بازماندگان خواهد بود. پرداخت مستمری به بازماندگان بیمه‌شده در صورت فوت به غیر از حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای چگونه است؟ او در توضیح بیشتر مشمولان برخورداری از مستمری بازماندگان با اشاره به اینکه پرداخت مستمری به بازماندگان بیمه‌شده‌ای که به علل دیگر غیر از حادثه ناشی از کار یا بیماری‌های حرفه‌ای فوت کند، منوط به احراز چند شرط است، گفت: در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که در ۱۰ سال آخر حیات خود حداقل حق بیمه یک سال کار را پرداخته باشد، مشروط به اینکه طرف آخرین سال حیات، حق بیمه ۹۰ روز کار را پرداخت کرده باشد، بازماندگان او مشمول دریافت مستمری بازماندگان خواهند بود. رئیس اداره امور بازماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین‌اجتماعی افزود: علاوه‌براین چنانچه بیمه‌شده متوفی حداقل ۳۰ سال حق بیمه را قبل از فوت پرداخت کرده باشد، بازماندگان واجد شرایط او می‌توانند از مستمری بازماندگان با عنایت ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی استفاده کنند و مجموع مستمری پرداختی به بازماندگان متوفی دراین‌صورت از حداقل مزد کارگر عادی کمتر نخواهد بود. «دهقان‌زاده» تصریح کرد: همچنین در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد، به بازماندگان او به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه و بدون الزام به رعایت ماده ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، مستمری پرداخت خواهد شد. «دهقان‌زاده» در پاسخ به این سؤال که بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر متوفی که استحقاق دریافت مستمری را دارند، کدام‌اند؟ گفت: بازماندگان بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر متوفی شامل پدر و مادر، فرزندخوانده و نوادگان اناث به شرط نداشتن شغل و شوهر و اثبات کفالت آنها از طرف اجدادشان و در صورت احراز شرایط قانونی، مستمری دریافت خواهند کرد.

او با بیان اینکه همسر دائم بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر متوفی می‌تواند از مستمری استفاده کند. افزود: شوهر بیمه‌شده یا مستمری‌بگیر زن متوفی مشروط بر اینکه آنها تحت تکفل زن بوده و ناتوانی سن او از ۶۰ سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی ازکارافتاده بوده و در هر حال مستمری بازماندگان دریافت نکند. رئیس اداره امور بازماندگان اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به این سؤال که درباره فرزندان بیمه‌شده متوفی مستمری بازماندگان به چه صورت است، تصریح کرد: این افراد فرزندان (فرزندخوانده) پسر هستند؛ درصورتی‌که سن آنان کمتر از ۲۰ سال (حداکثر ۲۵ سال تمام) بوده یا منحصرا به تحصیل دانشگاهی اشتغال داشته یا به علت بیماری یا نقص عضو طبق نظر کمیسیون‌های پزشکی ازکارافتاده نیازمند باشند، مشمول دریافت مستمری خواهند شد. «دهقان‌زاده» با اشاره به اینکه کوچه بعدی دریافت مستمری بازماندگان (فرزندخوانده) دختر مجرد و فاقد شغل است، گفت: این افراد پدر و مادر متوفی هم مشمول دریافت مستمری هستند و به شرط اینکه زن تحت تکفل او بوده، اناث است یعنی پدر از ۶۰ سال و سن مادر از ۵۵ سال تجاوز کرده باشد یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی ازکارافتاده باشند و در هر حال مستمری دریافت نکنند. او افزود: به موجب قانون تحمیل از خانواده، زوجه (عیال) دائم بیمه‌شده متوفی در صورت ازدواج مجدد نیز کماکان در زمره بازماندگان واجد شرایط خواهد بود. شوهر بیمه‌شده زن متوفی مشروط بر اینکه تحت تکفل زن و سن او بیشتر ۶۰ سال باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی ازکارافتاده بوده و در هر حال مستمری دریافت نکند، می‌تواند این مستمری را دریافت کند.

گزارش

شاید بتوان رئیس‌جمهور پیشین برزیل، ژائیر بولسونارو را به خاطر اظهاراتش درباره مقصراندانستن مردم بومی برای آتش‌سوزی‌ها و تخریب جنگل‌های آمازون و همچنین به‌عنوان انکارکننده برجسته تغییرات اقلیمی، به‌عنوان پیشگام پوپولیسم اقلیمی شناخت. در سخنرانی‌ای که به صورت از راه دور برای مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ ارائه شد، بولسونارو قبایل بومی را به راه‌اندازی آتش‌سوزی‌های فاجعه‌بار در جنگل‌های آمازون متهم کرد. این در حالی است که کارشناسان ضمن رد ادعاهای وی، تاکید کردند علت اصلی آتش